

آشغال نما رادور بیز

درس سوم

دروغ و فریبکاری



درس سوم دروغ و فریبکاری

خوش آمدگویی : ۳ دقیقه

با نوجوانان ، گرم و صمیمی همراه با لبخند روبرو شوید. اگر شخص جدیدی بعنوان نو ایمن یا مهمان برای اولین بار در این جمع حضور داشت، خوشامد مخصوص در نظر گرفته شود. بطور مثال شخص جدید را به نام در جمع معرفی کنید و از نوجوانان نیز بخواهید تا خود را یک به یک معرفی کنند و یک نکته قابل توجه و جالب در مورد خودشان با سایرین در میان بگذارند.

بازی : ۱۵-۲۰ دقیقه

دو حقیقت یک دروغ

بازی به این صورت می باشد که با توافق جمع شخصی به عنوان داور انتخاب شده و بعد افراد گروه دو حقیقت و یک دروغ جالب را از خود بر روی برگه ی کاغذ نوشته و به داور می دهند. بعد از آن هر شخصی که کاغذش انتخاب شد باید جواب خود را به طور خصوصی به داور گفته تا بعد شرکت کنندگان حدت بزنند کدام دروغ است.

از یکدیگر می شنویم (پیش درآمدی بر تعلیم) : ۵-۱۰ دقیقه

با طرح چند سوال از نوجوانان آنها را برای تعلیم آماده کنید، از آنها بخواهید به سوالات زیر جواب بدهند. بهتر است که همه در پاسخ به سوالات مشارکت داشته باشند.

- ۱- چرا مردم دروغ میگویند؟
- ۲- دروغ از گجا نشأت می گیرد؟
- ۳- رابطه ما با حقیقت، چه ارتباطی با خدا دارد؟

جهت اطلاع مربی : به یاد داشته باشیم که جوی را در جلسه ایجاد کنیم تا نوجوانان بتوانند به راحتی صحبت کنند، و حتی کسانی که صحبت نمی کنند را تشویق کنیم تا در این بحث و گفتگو شرکت کنند تا صدای آنها هم شنیده شود برای مثال: (اسم یکی از نوجوانان که صحبت نمی کند را ببرید و از او بخواهید تا در این مورد نظرش را بیان کن) تا در این مشارکت فعالیت داشته باشد.

دروغ، حيله و فریبکاری، امروزه مثل یک بیماری مسری در تمام ابعاد زندگی روزمره و روحانی ما رسوخ کرده، و به یک راه آسان برای پنهان کردن حقایق و اشتباهات ما تبدیل شده است. افرادی که دروغ می گویند بیشتر به دلیل نداشتن اعتماد به نفس، احساس حقارت و جلب اعتماد دیگران شروع به دروغ گفتن می کنند، افراد برای اینکه خودشان را در برابر دیگران بهتر نشان بدهند و بین آن ها جایگاه بهتری به دست بیاورند به دیگران دروغ می گویند.

انگیزه ای اصلی، که ما را به دروغ گفتن مجبور می کند، به طور کلی در یک واژه خلاصه می شود: ترس! ترس از دست دادن موقعیتی خاص، ترس از تنبیه شدن، ترس از دست دادن دوستان، ترس از به در دسر افتادن و ترس از ابراز احساسات، ترس از دست دادن پول، ترس از دست دادن امنیت، ترس از ناامید کردن اطرافیان، ترس از قضاوت های مردم، ترس از آسیب دیدن و ...

از آنجا که خدا روحی را که به ما بخشیده، نه روح ترس، بلکه روح قوت و محبت و انضباط است. ۲ تیموتائوس

باب ۱ آیه ۷

دروغ زمانی به وجود می آید که انسان عدالت و محبت را نقض کرده، و بر خلاف حقیقت عمل کند. و نخواهد چیزی را که در دل دارد بیان کند. و این باعث می شود که ترس به وجود آید. دروغ و فریبکاری اصلی ترین راه و روش شیطان از ابتدای خلقت (باب ۳ پیدایش) می باشد. او شروع به استفاده کردن از این سلاح مهم و خطرناک کرد و انسان را فریب داد. او برای زیر پا گذاشتن حقیقت و عدالت وارد باغ عدن شد و با وارد کردن دروغ به زندگی انسان، ترس را هم وارد رابطه انسان با خدا کرد.

وقتی ما شروع به دروغ گفتن می کنیم هر نوع دروغ، در واقع از راه ها و روش های شیطان برای پیشرفت کار خودمان استفاده می کنیم.

وقتی امثال باب ۱۲ آیه ۲۲ را می خوانیم کلام خدا می فرماید: (خداوند از لیبهای دروغگو کراهت دارد، اما راستگواران پسندیده اویند) خدا از دروغ نفرت دارد، این شامل هر نوع دروغی می شود. در هیچ جای کتاب مقدس چیزی در مورد تفاوت دروغ مصلحتی با غیر مصلحتی، راست یا نیمه راست، چاپلوسی کردن، و مهمتر از همه شهادت دروغ دادن و یا دروغ های روحانی و بدقولی نمی خوانیم.

مهم ترین کاری که یک شخص با گفتن دروغ انجام می هد این است که دیگران را گمراه می کند، هر وقت انسانی بخواهد شخصی را گمراه سازد از دروغ استفاده می کند و به این ترتیب، به این روش او را فریب می دهد. و این خصلت در همه انواع دروغ ها می باشد.

زمانی که شخصی دروغ می گوید در واقع به هر دلیلی سعی می کند چیزی که خودش به آن باور ندارد را برای گمراه کردن دیگران بیان کند چه از سر خیرخواهی و چه از سر بدخواهی، به هر حال شخص با نداشتن شجاعت در بیان افکار خود با ترس به دروغ گفتن متوسل می شود.

دروغ زمانی ممکن می شود که دیگری به انسان اعتماد کند، و او از این اعتماد برای فریفتن و پنهان کردن نیت اصلی خود استفاده کند در واقع هیچ دروغی بی فریبکاری ممکن نیست.

بنابراین هر جا که شجاعت و صداقت باشد، دروغ وجود نخواهد داشت.

پس طبق کلام خداوند در هر شرایطی:

'بله' شما همان 'بله' باشد و 'نه' شما 'نه'، زیرا افزون بر این، شیطانی است.

متی باب ۵ آیه ۳۷

با هم چند دروغی که امروزه زندگی ما و جامعه ای که دارن زندگی می کنیم را بیمار کرده و به آسانی جزئی از عادت روزمره زندگی ما شده است را بررسی می کنیم.

نیم راست

نیم راست یا نیم دروغ، با اینکه لفظاً دروغی به زبان آورده نمی شود، اما با نگفتن حقیقت، راستی منحرف می گردد. نیمه دروغ ها به راحتی می تواند عادت زندگی ما شده و ما را از راستی و حقیقت زندگی در مسیح منحرف سازد. بطور مثال زمانی که قرار ملاقاتی داریم، به بخاطر تنبلی و برنامه ریزی غلط، دیرآماده شده ایم و چند دقیقه ای هم در ترافیک مانده ایم، ما تقصیر را به گردن ترافیک می اندازیم. در واقع ما با بیان نکردن حقیقت به طور کامل به دروغ متوسل می شویم تا از سر زنش شدن در امان باشیم.

غلو کردن

گاهی مردم با اغراق کردن در مورد موضوعی می خواهند تا شما را قانع کنند کاری را که آنها می خواهند انجام دهید. مثلا فروشنده ای را تصور کنید که با اغراق درباره اثربخشی کرم ضدجوش صحبت می کند تا شما را برای خریدش قانع کند.

چاپلوسی کردن

چاپلوسی یکی از شایع ترین شیوه های دروغ گفتن است. حتما برای شما پیش آمده که کسی از شما تعریف کند و شما احساس کرده باشید که این تعریف بیش از آنکه واقعیت داشته باشد به دلایل دیگری گفته شده است. مردم به دلایل مختلفی ممکن است شروع به چرب زبانی کنند که شاید به دنبال نزدیک شدن به کسی و جلب اعتماد او هستند. شاید می خواهند خواسته ای را مطرح کنند یا پنهان کردن واقعیت، از موقعیت های ناخوشایند دوری کنند.

شهادت دروغ

یکی از ده فرمان مقدس خداوند فرمان هشتم می باشد و به ما می آموزد که دروغ نگوئیم. به دروغ شهادت دادن به معنای آن است که آگاهانه و به عمد خلاف با واقعیت سخن بگوئیم یا عمل کنیم، چه برای نفع شخصی خودمان و یا از بین بردن حقیقت بر ضد فردی دیگر.

دروغ روحانی و بدقولی

یکی از بدترین نوع دروغ، دروغ "روحانی" است حتی مسیحیان و کلیسا هم درگیر این بیماری زبان هستند. ما خیلی مواقع با جملاتی که به زبان می اوریم خیلی راحت حتی به خدا هم دروغ می گوئیم. به طور مثال من هر روز صلیب خود را بر دوش میگیرم و جز تو چیزی نمی خواهم، در حقیقت خیلی مواقع ما به مفهوم عمیق کلاماتی که بیان می کنیم فکر نمی کنیم و آنچه می گوئیم چیزی جز تعارف و چرب زبانی در حضوره خدا نیست. همچنین به کار بردن واژه "خدا را شکر" چنان عادی شده است که مفهوم واقعی خود را از دست داده. در بسیاری از مواقع به هنگام احوال پرسی چنان با آه و ناله این جمله را تکرار کرده ایم که در واقع بیشتر بر وفای ما و بی وفایی خدا تأکید شده است.

ما نه تنها به خدا دروغ می گوئیم بسیار آسان در کلیسا به یکدیگر هم وعده می دهیم که "برایت دعا خواهم کرد"، اما به محض ترک آن محیط به کلی موضوع صحبت و درخواست دعای طرف مقابل مان را به فراموشی می سپاریم. یا خیلی مواقع در هر شرایطی به دیگران می گوئیم: "خدا برکت بدهد" در صورتی که در حقیقت منظورمان "خداحافظی" یا حتی "دیگر ساکت باش" بوده است و به هیچ وجه قصدمان برکت یافتن او نبوده است.

دروغ به هر نحوی که باشد، اگر از طریق توبه و دعا در حضور خدا و با سرسپردگی به حقیقت درمان نشود، باعث نابودی شخص چه از نظر اجتماعی و چه از نظر روحانی می شود.

گفتگو:

از نوجوانان بخواهید (غلاطیان باب ۲ آیه ۲۰) را بخوانند و با توجه با این آیه نظر خود را در مورد زندگی بدون دروغ و فریب، در مسیح با هم به اشتراک بگذارند.
اگر شهادتی در این مورد دارید بیان کنید .

تعمقی بر تعلیم و جمله طلایی: ۱۵-۲۰ دقیقه

از نوجوانان بخواهید که بر تعلیم امروز تعمق کنند و با توجه به آموخته های امروز آن را در قالب یک جمله با سایرین در میان بگذارند.
و لبانم را به بیان درستیهامی گشایم. بر زبانم حقیقت جاری می شود، و لبانم از شرارت کراهت دارد. سخنان دهانم همه بر حق است و هیچ انحراف و کجی در آن نیست.
امثال باب ۸ آیه ۶ تا ۸

قدم عملی: ۱۰ دقیقه

۱. در طول هفته با تعمق بر تعلیم امروز به این موضوع فکر کنید، که کدام یک از این دروغ، حيله و فریبکارها در زندگی روزمره شما رسوخ کرده، آنها را یادداشت کرده با شجاعت و صداقت در دعا به حضور خداوند برده و از او بخواهید تا به واسطه روح القدس شما را یاری دهد، تا از هر دروغ، حيله و فریبکاری چه در رفتار، چه در گفتار رهای یافته و در هر شرایطی حقیقت بر زبانتان جاری شده و هیچ انحراف و کجی در شما نباشد.

دعا و پرستش: ۸-۱۰ دقیقه

مرا می پذیری تو

قدوس مرا لمس نما